

## پرسش ۱۲۲: حکم ازدواج موقت.

السؤال/ ۱۲۲ : بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته  
ما هو الحكم بخصوص الزواج المؤقت، وهل يجوز نطقه مع المحرم لتحليل  
الكلام فقط أي عدم الزواج فعلاً إذا كان هناك خصوصية لهذا الشخص ولا يمكن  
الارتباط. والغرض منه هو عدم الوقوع بالحرام جزاكم الله خير الجزاء.

بسم الله الرحمن الرحيم، اسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

حکم ازدواج موقت چیست؟ آیا صحبت کردن با شخصی فقط با وجود محرم جایز  
است (تا صحبت کردن حلال محسوب گردد) یعنی اگر به دلیل وجود خصوصیت  
خاصی در این شخص و عدم امکان ارتباط، اگر فعلاً ازدواجی صورت نگرفته باشد.  
هدف از این سؤال فقط عدم ارتکاب فعل حرام است. خداوند به شما بهترین پاداش ها  
را عطا فرماید.

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الزواج المؤقت جائز.

۱ - يشترط في الزواج المؤقت والدائم الإشهاد (شاهدان عدلان) أو الإشهار،  
ويكفي أحدهما ([551]).

۲ - أقل مدة لعقد الزواج المؤقت هي ستة أشهر.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

ازدواج موقت، جایز است.

۱ - در ازدواج موقت و دائم حضور شهود (دو شاهد عادل) یا اِشهار (علنی کردن)

شرط است و محقق شدن یکی از این دو شرط، کفایت می کند ([552]).

۲ - کمترین مدت برای ازدواج موقت، شش ماه است.

## وكلام المرأة مع الرجال ليس حراماً ولا يحتاج تحليله إلى الزواج.

گفت وگوى زن با مردان حرام نيست و حلال شدنش نيازى به ازدواج ندارد.



[551] - وقد نص الأئمة (ع) على وجوب الإشهاد في زواج المتعة، وكذلك نصوا على شروط كثيرة يجب توفرها في زواج المتعة، بل ورد عن الإمام الصادق (ع) أن للمتعة سبعون شرطاً، كما في الرواية الآتية:  
عن المفضل بن عمر، عن الصادق (ع) - في حديث طويل - قال: قلت: يا مولاي فالمتعة، قال: (المتعة حلال طلق، والشاهد بها قول الله جل ثناؤه في النساء المزوجات بالولي والشهود: (وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَذَكَّرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا) أي: مشهوداً، والقول المعروف هو المشهور بالولي والشهود، وإنما احتيج إلى الولي والشهود في النكاح، ليثبت النسل، ويصح النسب، ويستحق الميراث، وقوله: (وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُنَّ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا). وجعل الطلاق في النساء المزوجات غير جائز، إلا بشاهدين ذوي عدل من المسلمين، وقال في سائر الشهادات على الدماء والفروج الأموال والأموال: (وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ) ..... إلى أن قال المفضل بن عمر:

قال المفضل: يا مولاي، فما شرائط المتعة؟ قال: (يا مفضل، لها سبعون شرطاً، من خالف منها شرطاً واحداً ظلم نفسه). قال: قلت: يا سيدي، فاعرض عليك ما علمته منكم فيها.

قال الصادق (ع): (قل يا مفضل على أنك قد علمت الفرق بين المزوجة والمتعة بها مما تلوته عليك، قال المزوجة لها صداق ونحلة والتمتعة أجرة فهذا فرق بينهما. قال المفضل: نعم يا مولاي قد علمت ذلك. فقال: قل يا مفضل، قال: يا مولاي، قد أمرتمونا أن لا نتمتع ببغية، ولا مشهورة بفساد، ولا مجنونة، وأن ندعو المتمتع بها إلى الفاحشة، فإن أجابت فقد حرم الاستمتاع بها، وإن نسأل أفرغة هي أم مشغولة ببعل أم بحمل أم بعدة؟ فإن شغلت بواحدة من الثلاث، فلا تحل له، وإن خلت فيقول لها: متعيني نفسك على كتاب الله وسنة نبيه (ع)، نكاحاً غير سفاح، أجلاً معلوماً بأجرة معلومة، وهي ساعة أو يوم أو يومان أو شهر أو شهران أو سنة، أو ما دون ذلك، أو أكثر، والأجرة ما تراضيا عليه، من حلقة خاتم، أو شمع نعل، أو شق تمر، إلى فوق ذلك من الدراهم، أو عرض ترضى به، فإن وهبت حل له كالصداق الموهوب من النساء المزوجات، الذين قال الله تعالى فيهن: (فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُنَّ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا). ورجع القول إلى تمام الخطبة، ثم يقول لها: على أن لا ترثيني ولا أرتك، وعلى أن الماء لي أضعه منك حيث أشاء، وعليك الاستبراء خمسة وأربعين يوماً، أو محيضاً واحداً ما كان من عدد الأيام، فإذا قالت: نعم، أعدت القول ثانية وعقدت النكاح به، فإن أحببت وأحببت هي الاستزادة في الأجل زدتما. وفيه ما روينا عنكم من قولكم: (لئن أخرجنا فرجاً من حرام إلى حلال، أحب إلينا من تركه على الحرام) ومن قولكم: (إذا كانت تعقل قولها، فعليها ما تقول من الإخبار عن نفسها، ولا جناح عليك) وقول أمير المؤمنين (ع): (فلولا ما زنى إلا شقي أو شقية؛ لأنه كان للمسلمين غناء في المتعة عن الزنى)، وروينا عنكم أنكم قلت: (إن الفرق بين الزوجة والمتمتع بها أن المتمتع له أن يعزل عن المتعة،

ولیس للزوج أن يعزل عن الزوجة؛ لأن الله تعالى يقول: (وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ). واتی فی کتاب الکفارات عنکم: (انه من عزل نطفه عن رحم مزوجة فدية النطفة عشرة دنانیر کفارة، وان من شرط المتعة أن الماء له يضعه حيث يشاء من المتمتع بها، فان وضعه في الرحم فخلق منه ولد كان لا حقا بأبيه) مستدرک الوسائل للمیرزا النوری: ج 41 ص 474 - 477، الهدایة الکبری للحسین بن حمدان الخصیبي: ص 423، الحدائق الناضرة - للمحقق البحراني: ج 42 ص 169، بحار الأنوار: ج 35 ص 26.

وهناك شروط كثيرة غير ما تقدم ذكرها الإمام الصادق وغيره من الأئمة (ع) لا يسعني الآن استقصائها، فمن أراد الإحاطة فعليه بمراجعة المطولات من كتب الحديث. (المعلق).

[552] - ائمه (ع) بر وجود شهود در مُتَعِه (ازدواج موقت) تأکید فرموده اند و همچنین شرایط بسیاری که در ازدواج متعه باید برآورده گردد. از امام صادق (ع) روایت شده است که ازدواج موقت هفتاد شرط دارد؛ همان طور که در روایت زیر آمده است:

از مفضل بن عمر از امام صادق (ع) در حدیثی طولانی روایت شده است: گفتیم: ای مولای من، اما متعه. فرمود: «متعه (ازدواج موقت) حلال است و شاهد بر آن سخن خداوند متعال در مورد زنانی که باید در حضور سرپرست و شهود ازدواج کنند می باشد: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (و اگر به کنایت از آن زنان خواستگاری کنید یا اندیشه‌ی خود در دل نهان دارید، گناهی بر شما نیست؛ زیرا خدا می داند که از آنها به زودی یاد خواهید کرد. ولی در نهان با آنان وعده منهدید، مگر آنکه به وجهی نیکو سخن گوید) یعنی مشهود، و قول نیکو یعنی در حضور سرپرست او و شهود باشد. وجود سرپرست و شهود در ازدواج فقط به این دلیل مورد نیاز است که نسل ثابت و نسب صحیح و ارث مشخص گردد؛ و این سخن خداوند متعال: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (و مهر زنان را به طیب خاطر به آنها بدهید و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند، بگیریید که خوش و گوارایتان خواهد بود). طلاق زنان در ازدواج جایز نیست مگر با وجود دو شاهد عادل مسلمان. خداوند متعال در مورد وجود شهود در سایر موارد مانند خون‌ها و جابه‌جا کردن اموال و املاک فرموده است: «وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ» (و دو شاهد مرد به شهادت گیریید. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند).... تا اینکه مفضل بن عمر گفت: مولای من شرایط ازدواج موقت چیست؟ فرمود: «ای مفضل، متعه هفتاد شرط دارد؛ اگر کسی به یکی از شروط آن عمل نکند، به خودش ظلم کرده است».

مفضل گفت: گفتیم: آقای من، آیا آنچه از شما در مورد ازدواج موقت آموختیم را بگوییم؟

امام صادق (ع) فرمود: «بگو ای مفضل. با توجه به آنچه به تو گفتیم، تو فرق ازدواج موقت با دایم را می دانی؛ در ازدواج دایم، مهریه وجود دارد و به ازدواج موقت، فقط اجرت تعلق می گیرد؛ فرق آنها در همین است». مفضل گفت: بله مولای من، آن را فهمیدم. امام دوباره فرمود: «ای مفضل، بگو». مفضل گفت: ای مولای من، امر فرمودی که با مشهور به فساد و زن مجنون و زن زناکار متعه نکنید. شخصی که می خواهیم متعه اش کنیم را به فحشا دعوت کنیم، اگر اجابت کند بهره‌گیری از او حرام می شود. از او پرسیم که آیا شوهر دارد یا خیر و آیا باردار است یا در عده به سر می برد؟ اگر یکی از این سه شرط را داشت، متعه با او حلال نمی شود در غیر این صورت، به او بگوید: با توجه به کتاب خدا و سنت رسولش (ص) خودت را متعه‌ی من کن، ازدواجی به دور از زنا، با مدت معلوم و اجرت معلوم؛ مدت می تواند یک ساعت یا یک روز یا دو روز یا یک ماه یا دو ماه یا یک سال یا کمتر و یا بیشتر باشد و اجرت، هر چه به آن راضی گردد، با انگشتی یا بند کفشی یا یک دانه‌ی خرما یا هر مقدار پول،

هر چه بالاتر باشد یا چیزی بگوید که به آن راضی باشد و چنانچه بدون اجرت راضی شود، مانند زنی که مهریه‌اش را بخشیده است، حلال است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند، بگیریید که خوش و گوارایتان خواهد بود) و تمام خطبه (صیغه) را بخواند. سپس به آن زن بگوید: به این شرط که از من ارث نخواهی برد و من از تو ارث نمی‌برم و منی‌ام را هر جا بخواهم خالی می‌کنم و بر تو است که چهل و پنج روز یا یک نوبت قاعدگی خود را نگهداری. اگر گفت بله قبول دارم، دوباره تکرار کند و عقد صحیح است و اگر دو طرف تمایل داشتید که زمان را اضافه کنید، در این خصوص این سخن را از شما روایت می‌کنیم: «اگر فرجی را از حرام به حلال خارج سازیم برای ما بسیار بهتر است از اینکه آن را بر حرام ترک کنیم» و همچنین این سخن شما: «و اگر متوجه سخن خودش هست، بر او واجب است که متوجه آنچه درباره‌ی خود می‌گوید باشد، و بر شما باکی نیست» و این سخن امیر المؤمنین (ع): «جز زن یا مرد بدبخت زنا نمی‌کند؛ چرا که با وجود متعه، دیگر مسلمان نیازی به زنا ندارد»، و نیز از شما روایت می‌کنیم که فرمودید: «فرق بین ازدواج دائم و موقت در این است که در ازدواج موقت، شخص می‌تواند منی را هر جایی خالی کند ولی در ازدواج دائم مرد نمی‌تواند هر جای زنش خالی کند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (در این دنیا کسی از مردم هست که خدا را به درست بودن اعتقاد خویش گواه می‌گیرد و تو را سخنش درباره‌ی زندگی این دنیا به شگفت می‌دارد، در حالی که کینه‌توزترین دشمنان است \* چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کند و کشتزارها و نسل‌ها را نابود سازد، در حالی که خداوند فساد را دوست نمی‌دارد). در کتاب کفاره‌ها از شما روایت شده است: «هر کسی در ازدواج دائم نطفه‌ای را در رحم نریزد، باید ده دینار کفاره دهد، در حالی که از شرایط متعه این است که آب منی را هر جای متعه شده که بخواهد، بریزد؛ ولی اگر آن را در رحم قرار دهد و از آن بچه‌ای به دنیا آورد، بچه متعلق به پدر خواهد بود». مستدرک الوسائل میرزای نوری: ج 41 ص 474 تا 477؛ هدایت کبری - حسین بن حمدان حصیبی: ص 423؛ حدائق الناضره - محقق بحرانی: ج 42 ص 169؛ بحار الانوار: ج 35 ص 26.

شرایط بسیار دیگری در این خصوص غیر از آنچه ذکر شد وجود دارد که امام صادق (ع) و سایر ائمه (ع) فرموده‌اند و به علت اختصار آنها را ذکر نمی‌کنیم. هر کس خواهان مطالب بیشتری در این خصوص است به کتب حدیث مراجعه نماید.